

وظیفه‌ی ملی

هممیهنان،

افزون بر یک ماه پیش، در آستانه‌ی روی صحنه آوردن نخستین پرده‌ی نمایش انتخابات، حزب ملت ایران طی پیامی با روشنگری پیرامون وضع نابهنجاری که بر کشور فرمانرواست خواستار به‌پاخاستگی مردم برای رسوا کردن این بازیگری برکرسی قدرت‌نشستگان شد.

خوشبختانه، این ندای حق‌طلبانه در میان ایرانیان بیدار دل، که از زشت‌کاری‌ها به جان آمده‌اند، بازتاب گسترده‌ای یافت و بسیاری از حزب‌ها و جمعیت‌ها و نیز چهره‌های سیاسی سلطه‌ستیز و آزادی‌خواه در درون و بیرون کشور با نشر بیانیه‌ها و انجام مصاحبه‌های گوناگون خطرهای میهن‌بربادده را به شرح آوردند و هر یک به نوعی دوری جستن از صحنه‌گردانی انتخابات را وظیفه‌ی ملی شناختند و حتی پیشنهادهایی برای شکل پایان دادن به روند یک‌تازی طرح کردند؛ از جمله در راستای گذار آرام از زیر سلطه به سامانی مردم‌سالارانه، که بی شک در گرو برگزاری «انتخابات آزاد» قرار دارد، شرط‌های زیر پیش کشیده شد:

پدید آوردن فضای سیاسی باز از راه

– پاس داشتن آزادی گفتار و نوشتار و گردهمایی و جلوگیری از تجاوزگری گروه‌های فشار به هر عنوان؛

– آزاد گذاردن همه‌ی سازمان‌های سیاسی و حزب‌های دگراندیش و نیز اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، و کانون‌ها و به‌طورکلی نهادهای صنفی هر گروه اجتماعی؛

– اجازه‌ی نشر دادن به همه‌ی روزنامه‌ها، ماهنامه‌ها، و فصلنامه‌ها، و کتاب‌های دارای بینش‌های گوناگون، برکنار از هر سانسور؛

– برروی هم، زنده‌داشت همه‌ی «حقوق ملت»، که در بیست‌وچهار اصل از فصل سوم قانون اساسی پیش‌بینی گردیده است.

ایجاد ایمنی قضائی از راه

– بازگرداندن صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی دادگستری و برچیدن دادسراها و دادگاه‌های اختصاصی، جز آنچه در قانون اساسی پذیرفته شده است؛

– پایان دادن به کار نهادهای سرکوبگری که نام دادگاه‌های «ویژه‌ی روحانیت» و یا «انقلاب اسلامی» بدان‌ها داده شده است و تنها پاسداری از جو وحشت را بر عهده دارند؛

– رسیدگی به بزه‌های سیاسی در دادگاه‌های عمومی با حضور هیئت منصفه، به طور علنی، و با شرکت وکیل دادگستری تسخیری یا انتخابی؛

– آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی، که به هر عنوان در گوشه‌وکنار کشور دریند هستند، حتی اگر مورد دادرسی‌های فرمایشی قرار گرفته باشند؛

– دادن تأمین‌های لازم به انبوه ایرانیانی که به کشورهای بیگانه کوچ کرده‌اند برای بازگشت به میهن؛

– برروی هم، بازسازی و پاکسازی و توانمند داشتن دستگاه دادگستری با ضابطه‌های ذکرشده در قانون اساسی،

به گونه‌ای که همگان آن را نگه‌دارنده‌ی جان و حیثیت و حق خود بدانند و از هر ستمی در امان بمانند.

افزون بر این‌ها خواسته شد تا اختیارهایی که شورای نگهبان با برداشت نادرست از اصل نودونهم قانون اساسی به خود داده و دامنه‌ی «نظارت» بر انتخابات را به تشخیص صلاحیت نامزدها و نیز دخالت در کارهای اجرائی کشانده است حذف گردد تا در هر گزینشی به‌راستی «میزان رأی مردم» باشد.

در این میان، برکرسی‌قدرت‌نشستگان بی‌اعتنا به خشم خاموشی که از هر بانگ پرخاشی رساتر و سراسر ایران را فراگرفته است صحنه‌آرایی‌های همیشگی را دنبال می‌کنند و با در انحصار داشتن همه‌ی ابزارهای تبلیغ گفتاری، نوشتاری، و تصویری می‌کوشند تا نابسامانی‌های فزاینده‌ی کشور را ناچیز جلوه دهند.

هم‌اکنون سران جمهوری اسلامی ایران را به ورطه‌ی هولناکی افکنده‌اند که، از لحاظ سیاست خارجی، به بن‌بست رسیده، از لحاظ اقتصادی، به ورشکستگی افتاده و، از لحاظ اجتماعی، در غرقاب تباهی غوطه‌ور است؛ ولی در گیرودار خیمه‌شب بازی گزینش رئیس‌جمهور، با سرهم‌کردن آمارهای دروغین، از پیشرفت‌های برنامه‌های سازندگی دم می‌زنند تا شاید کسان بیشتری را به پشتیبانی از خود برانگیزند.

میراث‌خواران انقلاب، که به‌خوبی می‌دانند دیگر جایی در میان مردم ندارند، در همه‌ی سطح‌ها با همه‌ی نیرو می‌کوشند تا شمار بیشتری را به پای صندوق‌های رأی بکشانند و پایه‌های لرزان فرمانروایی خود را استوار جلوه دهند و چه‌بسا می‌خواهند در بدهوبستان‌های پشت‌پرده دست پرتی داشته باشند.

چنین است که وظیفه‌ی ملّی ایجاب می‌کند ایرانیان در هر کجا هستند به هنگام روی صحنه آوردن واپسین پرده‌ی نمایش انتخابات با خلوت گذاردن جایگاه‌های رأی‌گیری و کوی و برزن گرداگرد آن قهر سنگین خود را به یکه‌تازی نشان دهند.

فرجام کار هر چه باشد، درخواست مردم‌سالاری به گونه‌ی تنها شیوه‌ی درست کشورداری همچنان یک ضرورت تاریخی است و حزب ما، همه‌ی زنان و مردان این سرزمین خدایی و همه‌ی سازمان‌های سیاسی سلطه‌ستیز را به نوسازی اسطوره‌ی «همبستگی همگانی» فرامی‌خواند. باشد که در پرتو آن ایران دیرینه‌سال آزادی و آبادی درخور را بازیابد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران